



بررسی مقایسه‌ای تفکر انتقادی دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان، دولتی و غیر دولتی

عباسعلی خندانی^۱، دکتر شهرام رنجدوست^۲، دکتر بهزاد شالچی^۳

^۱ کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، abbas.khandani2014@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، dr.ranjdoust@gmail.com

^۳ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرند، shalchi.b@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مقایسه‌ای تفکر انتقادی دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان، دولتی و غیر دولتی ناحیه یک تبریز صورت گرفته است. روش تحقیق از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ ماهیت توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان، دولتی و غیر دولتی مقطع متوسطه ناحیه یک تبریز می‌باشد. با استفاده از جدول مورگان به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی تعداد ۹۱۶ دانش‌آموز (۳۹۸ پسر و ۵۱۸ دختر) به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه تفکر انتقادی واتسون و گلیزر می‌باشد. پرسشنامه از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار بود. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون تی مستقل، تحلیل واریانس) تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان با مدارس دولتی ناحیه یک تبریز تفاوت وجود دارد. بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان با مدارس غیردولتی ناحیه یک تبریز تفاوت وجود دارد. بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان مدارس دولتی با مدارس غیردولتی ناحیه یک تبریز تفاوت وجود دارد.

واژه‌های کلیدی

تفکر انتقادی، تیزهوش، دولتی، غیردولتی

مقدمه

از چالش‌های مهمی که جوامع امروز با آن مواجه هستند، آماده کردن افراد و سازمان‌ها برای کنترل تغییر و تکثیر اطلاعات و به روز کردن مداوم دانش آن‌ها است. بدیهی است که زندگی در این جهان متغیر و پیچیده بدون به کارگیری مهارت‌های تفکر امکان پذیر نیست. رفع چالش‌های قرن بیست و یکم، با فشارهای محیطی، اجتماعی و اقتصادی پیچیده‌ای که دارد، نیازمند این است که جوانان، خلاق، مبتکر، با انرژی، سازگار، با انگیزه و با اعتماد به نفس باشند و مهارت‌های استفاده از تفکر انتقادی را بطور هدفمند توسعه دهند (مک ایلونی^۱، ۲۰۱۳). امروزه دانش‌آموزان پس از تحصیل، معمولاً مهارت

کافی برای ورود به جامعه را ندارند، مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، خلاقیت، روابط عمومی، تحلیل ناسازگاری، و مهارت‌های کار گروهی، روش‌های سنتی کلاس داری، مانند سخنرانی، تحریک ذهنی مناسبی برای دانش‌آموزان در کلاس درس ایجاد نمی‌کنند (گیسلر^۲ و همکاران، ۲۰۱۳).

انجمن تفکر انتقادی^۳ این تفکر را این‌گونه تعریف کرده است: "فرآیند ذهنی تصور، به کارگیری، تحلیل، ترکیب ویا ارزیابی اطلاعات بدست آمده یا ایجاد شده توسط مشاهده، تجربه، تفکر، استدلال یا ارتباط، بعنوان باور یا عمل، به طور ماهرانه و فعالانه" (اسکرایون و پال^۴، به نقل از اسنایدر و اسنایدر^۵، ۲۰۰۸). سنت دیرینه اندیشه ورزی در بستر تفکر انتقادی، از جدل‌های سقراط شروع شده و با تبیین‌های فلسفی و نظریه‌های کنونی همانند فریره^۶ - سردمدار آموزش این تفکر - ادامه یافته است. امروزه بیر و کاستا را از پیش تازان آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی به حساب می‌آورند. تفکر انتقادی، تفکری است که با تأکید بر فرآیند یادگیری و به زیر سؤال بردن اندیشه‌ها، باورهای خود و دیگران، دید عقلانی، اولویت دادن به تغییر در حوزه نگرشی فرد، زمینه تعامل اجتماعی او را فراهم می‌کند. تحقیق ایزیکوویتش و آمیت^۷ (۲۰۰۱) حاکی از آن است که معلمان باید رشد فکری و عقلانی دانش‌آموزان را از طریق ایجاد محیط‌های یادگیری که تفکر انتقادی را پرورش می‌دهند، ارتقاء دهند و هم چنین دانش‌آموزان را تشویق کنند تا موضوع مورد مواجهه را کنکاش کنند، اطلاعات را ارزیابی کرده و به عنوان یک متفکر منتقد درباره آن فکر کنند. در ضمن اگر آموزش تفکر انتقادی بخشی از تعالیم مستمر دانش‌آموزان باشد، آن‌ها موفقیت تحصیلی بیشتری

². Geissler

³. Critical Thinking Community

⁴. Scriven and Pau

⁵. Snyder & Snyder

⁶. Ferreire

⁷. Aizikovitsh & Amit

¹. McIlvenny